

The Formulation of a Model of Predicting Cognitive Emotion Regulation Based on the Components of God-Image, Self-Image, and Attachment Styles with the Mediation of Ego Strengths

Yavar Toupchi*

Rasoul Roshan Chesli**

Masoud Janbozorgi***

Abstract

Objective: The purpose of this study was to evaluate a structural model of predicting cognitive emotion regulation based on the components of God-image, self-image, and attachment styles with the mediation of ego strengths.

Methodology: This correlational study applied the methodology of structural equation modeling (path analysis). The participants, who were selected by the convenience sampling, included 250 students from the University of Tehran and Shahed University. Janbozorgi's God-image and self-image questionnaire for spiritual interventions, Collins and Read's attachment style questionnaire, Garnefski's cognitive emotion regulation questionnaire, and Markstrom's ego strengths questionnaire were used. The data were analyzed by the SPSS-26 and LISREL.

Results: According to the structural equation modeling, the initial conceptual model did not have the desired initial fit and the paths of God-image and avoidant attachment style were not significant. After omitting these paths, the modified model had a desired fit. In the modified model, self-image, self-concept, and ambivalent attachment style were able to predict adaptive and non-adaptive cognitive emotion regulation by mediating ego strengths. Moreover, God-image and secure attachment style could predict non-adaptive regulation without mediating ego strengths.

Conclusion: Based on the results, it can be said that the higher God-image versus God-concept in individuals, the more non-adaptive cognitive emotion regulation in them. In addition, secure attachment style decreases non-adaptive cognitive emotion regulation in individuals. Self-image, self-concept, and ambivalent attachment style with the mediation of ego strengths predict the strategy of adaptive and non-adaptive cognitive emotion regulation. Therefore, we can consider such variables in the interpersonal relationships and educational, family, religious, spiritual, and therapeutic issues.

Keywords: God-image, self-image, attachment, ego strengths, cognitive emotion regulation, emotion, mental health, spirituality.

* M.A. in Clinical Psychology, Shahed University, Tehran, Iran, toopchi.yavar@gmail.com.

** Professor, Department of Clinical Psychology, Shahed University, Tehran, Iran, Corresponding Author, rasolroshan@yahoo.com

*** Professor, Department of Psychology, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran, psychjan@gmail.com

تدوین مدل نظم‌جویی شناختی هیجان براساس مؤلفه‌های خداپنداره، خودپنداره و سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری نیرومندی من^۱

یاور توپچی*

رسول روشن چسلی**

مسعود جان‌بزرگی***

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مدل ساختاری پیش‌بینی نظم‌جویی شناختی هیجان براساس خداپنداره-خودپنداره، سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری نیرومندی من صورت گرفت. روش: روش این پژوهش همبستگی مبتنی بر روابط ساختاری (تحلیل مسیر) می‌باشد. شرکت‌کنندگان شامل ۲۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران و شاهد که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده پرسشنامه خداپنداره-خودپنداره برای مداخلات معنوی جان‌بزرگی، پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید، پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان گارنفسکی و پرسشنامه نیرومندی من مارکستروم بود. داده‌های حاصله با استفاده از نرم‌افزار SPSS-26 و لیزرل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج: نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری نشان داد که مدل مفهومی اولیه مفروض اولیه برازش مطلوب را نداشت و مسیرهای خداپنداشت و دلبستگی اجتنابی معنادار نشد. بعد از حذف این مسیرها، مدل اصلاح شده برازش مطلوب پیدا کرد. مدل اصلاح شده به این شکل است که خودپنداره، خودپنداشت و سبک دلبستگی دوسوگرا با میانجی‌گری نیرومندی من توانستند نظم‌جویی انطباقی و غیرانطباقی شناختی هیجان را پیش‌بینی کنند. همچنین خداپنداره و سبک دلبستگی ایمن، توانستند بدون میانجی‌گری نیرومندی من نظم‌جویی غیرانطباقی را پیش‌بینی کنند. نتیجه‌گیری: براساس نتایج حاصله می‌توان گفت که خداپنداره در مقابل خداپنداشت در افراد بیشتر باشد، نظم‌جویی شناختی هیجان غیرانطباقی در آنها افزایش می‌دهد. همچنین دلبستگی ایمن در افراد، نظم‌جویی غیرانطباقی شناختی هیجان را کاهش می‌دهد. همچنین خودپنداره، خودپنداشت و سبک دلبستگی دوسوگرا با میانجی‌گری نیرومندی من، راهبرد انطباقی و غیرانطباقی نظم‌جویی شناختی هیجان را پیش‌بینی می‌کند. بدین‌سان می‌توان در روابط بین‌فردی، موضوعات تربیتی، خانوادگی، مذهبی، معنوی و درمانی به متغیرهای یاد شده توجه نمود. واژگان کلیدی: خداپنداره، خودپنداره، دلبستگی، نیرومندی من، نظم‌جویی شناختی هیجان، هیجان، سلامت روان، معنویت.

۱. این مقاله از پایان‌نامه ارشد نویسنده اول (یاور توپچی) است و نویسنده مسئول (دکتر رسول روشن) می‌باشد.

toopchi.yavar@gmail.com

rasolroshan@yahoo.com

psychjan@gmail.com

** کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

*** استاد گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

*** استاد گروه روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

مقدمه

هیجان یک الگوی واکنشی پیچیده شامل عناصر تجربی، رفتاری و فیزیولوژیک است که فرد تلاش می‌کند با یک موضوع یا رویداد مهم شخصی روبه‌رو شود (ون دن باس،^۱ ۲۰۱۵). هیجان نقش مهمی در جنبه‌های مختلف زندگی مانند سازگاری با تغییرات زندگی و رویدادهای تنیدگی‌زا ایفا می‌کند (گارفنسکی^۲ و همکاران، ۲۰۰۴)؛ با اینکه هیجان می‌تواند عمل ما را محدود و ناگزیر به انجام کاری کند که فریب‌دهنده^۳ به آن اولویت کنترل می‌گوید، اما نکته مهم این است که هیجان یک حالت تعدیلی و انعطاف‌پذیری دارد که می‌تواند توسط راه‌های مختلف دچار تعدیل و انعطاف قرار گیرد. این ویژگی مهم هیجان از عواملی است که سبب می‌شود نظم‌جویی هیجان ممکن باشد (گراس،^۴ ۲۰۰۷).

نظم‌جویی هیجان به معنای توانایی فرد در تعدیل یک یا مجموعه‌ای از هیجان‌ها است (ون دن باس، ۲۰۱۵)؛ به عبارت دیگر نظم‌جویی هیجان، یعنی فرد فرایندها یا راهبردهایی پیدا کند که به وسیله آنها توانایی تغییر و مدیریت هیجان‌ها را داشته باشد و یا اینکه چه موقع و چگونه آن هیجان را تجربه کند (مگرو^۵ و همکاران، ۲۰۲۰). مشکلات در هیجان و نظم‌جویی هیجان در بیش از ۷۵ درصد از طبقه‌های نظام‌های تشخیص اختلال‌ها نقش دارد (کرینگ و اسلون،^۶ ۲۰۰۹) و این اهمیت جایگاه نظم‌جویی هیجان در سلامت روان را نشان می‌دهد.

نظم‌جویی هیجان راهبردهای مختلفی دارد که یکی از متداول‌ترین آنها راهبرد نظم‌جویی شناختی هیجان است. در این راهبرد فرد با استفاده شناخت‌ها و فرایندهای شناختی به نظم‌جویی هیجان دست می‌زند. نظم‌جویی شناختی هیجان به روش هوشیارانه و شناختی مدیریت دریافت اطلاعات برانگیزنده هیجان و همچنین به مقابله شناختی با هیجان مربوط می‌شود (گارفنسکی و کراجی،^۷ ۲۰۱۸). گارفنسکی^۸ راهبرد نظم‌جویی شناختی هیجان را معرفی می‌کند؛ این راهبردها عبارتند از ملامت خویش،^۸ ملامت دیگران،^۹ پذیرش،^{۱۰} تمرکز دوباره در برنامه‌ریزی،^{۱۱} تمرکز

1. VandenBos, G. R.

2. Garnefski N

3. Frijda

4. Gross, J.

5. Megreyaa Ahmed

6. Kring Ann M, Sloan Denise M

7. Garnefski Nadia, Kraaij Vivian

8. Self blame

9. Others blame

10. Acceptance

11. Refocus on planning

مجدد مثبت،^۱ نشخوارگی،^۲ ارزیابی مثبت مجدد،^۳ دیدگاه‌گیری،^۴ فاجعه‌سازی^۵ که خود این‌نُه راهبرد به دو راهبرد سازگاران و ناسازگاران تبدیل می‌شوند (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۱).
 نظم‌جویی هیجان و نظم‌جویی شناختی هیجان نقش مهمی در بحث‌های روانی و سلامت روانی دارد و پژوهش‌های گوناگونی را نشان می‌دهند.

در پژوهش‌ها متغیرهای زیادی با نظم‌جویی شناختی هیجان بررسی شده است؛ یکی از موضوعات که می‌تواند در نظم‌جویی هیجان نقش داشته باشد، امور معنوی و مذهبی است. برخی معتقدند که دین و معنویت می‌تواند در ایجاد و تعدیل هیجان نقش داشته باشد (پارگامنت،^۶ ۱۹۹۷). پژوهش‌های مختلفی نشان می‌دهند که دین و معنویت می‌تواند در نظم‌جویی هیجان نقش داشته باشد (ر.ک: ویشکین^۷ و همکاران، ۲۰۱۹؛ ویشکین و همکاران، ۲۰۱۹؛ آلیچه^۸ و همکاران، ۲۰۲۰؛ لائورین^۹ و همکاران، ۲۰۱۱؛ مک‌کالو^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۹؛ شهایی و همکاران، ۱۳۹۶). برای بررسی دقیق‌تر امور معنوی و دینی باید متغیر مشخص‌تری از معنویت و دینداری را مورد بررسی قرار دهیم و با توجه به اینکه دین و معنویت از اموری است که در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف تفاوت‌هایی دارد؛ با توجه به مذهبی بودن جامعه ایران و اینکه دین غالب کشور اسلام است، مطالعات مبتنی بر منابع اسلامی مهم به نظر می‌رسد؛ رویکرد چندبعدی معنوی یک رویکرد مبتنی بر منابع اسلامی است (جان‌بزرگی و انصاری، ۱۳۹۵). یکی از متغیرهای مهم در مباحث معنوی و مذهبی، «خداپنداره»^{۱۱} و «خداپنداشت»^{۱۲} است. این دو مفهوم به نوعی تحت تأثیر تصویر فرد از خدا هستند؛ در پژوهشی به افراد چهار عبارت ارائه شد: مجموعه باورها، عضویت در کلیسا، یافتن معنا در زندگی و ارتباط با خدا. سپس از آنها خواسته شد که بگویند کدام‌یک به مفهوم ایمان و دین نزدیک‌تر است؛ بیشترین پاسخ، ارتباط با خدا بود (کزیدی و شاور،^{۱۳} ۲۰۱۶) و اینکه رابطه با خدا تحت تأثیر تصویر فرد از خداست. در رویکرد چندبعدی

1. Positive refocusing
2. Rumination
3. Positive reappraisal
4. Putting into perspective
5. Catastrophizing
6. Pargament, K. I
7. Allon Vishkin
8. Joseph Chinenye Aliche
9. Kristin Laurin
10. Michael E. McCullough
11. God image
12. God concept
13. Cassidy Jude, Shaver Phillip

معنوی هم این موضوع از موضوعات مهم می‌باشد (جان‌بزرگی، ۱۳۹۵)؛ همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که خداپنداره با نظم‌جویی هیجان نیز ارتباط دارد (لائورین و همکاران، ۲۰۱۱). متغیری که در این پژوهش بررسی شد؛ خداپنداره در مقابل خداپنداشت است، یعنی تلاش شد تفکیک بین این دو مفهوم در پژوهش لحاظ شود. البته تفکیک بین دو مفهوم به صورت کامل ممکن نیست و این دو بسیار درهم‌تنیده‌اند (موریارتی و هافمن، ۲۰۱۳)^۱، اما می‌توان به طور خلاصه گفت که خداپنداره یعنی اینکه خدا آن‌گونه است که ما از تجارب و یادگیری‌ها تصور می‌کنیم یا تصور غیرواقعی از خدا (جان‌بزرگی و سرآبادانی، ۱۳۹۹)؛ به عبارت دیگر خداپنداره یک سازه روان‌شناختی است که نشان می‌دهد فرد نسبت به خدا چه احساسی دارد و اینکه احساس می‌کنند خدا در مورد آنها چه احساسی دارد. خداپنداره، برخلاف خداپنداشت به نوعی ناهوشیار، پیچیده و دارای ماهیتی هیجانی و تجربی است (موریارتی و هافمن، ۲۰۱۳)؛ در مقابل خداپنداشت، یعنی خدا آن‌گونه که خود معرفی می‌کند یا مفهوم واقعی خدا است (جان‌بزرگی و سرآبادانی، ۱۳۹۹)؛ به دیگر سخن خداپنداشت به درک شناختی فرد از خدا ربط دارد. هافمن^۲ مختصر خداپنداشت را این‌گونه معرفی می‌کند که خداپنداشت تا حد زیادی هوشیارانه و منطقی و تحت‌تأثیر آنچه فرد در مورد خدا آموزش دیده می‌باشد و بیشتر تحت‌تأثیر چیزهایی مانند آموزه‌های دینی والدین، رهبران معنوی و متون مذهبی است (موریارتی و هافمن، ۲۰۱۳). خداپنداره یا تصویر غیرواقعی از خدا می‌تواند با تجارب هیجانی و احساسی فرد ایجاد شود و تصاویر ذهنی والدین روی آنها اثرگذار است. این تصاویر غیرواقعی می‌تواند روابط دیگر افراد را هم تحت‌تأثیر قرار دهد و در درمان‌های معنوی هم هرگاه ادراک از خدا به صورت واقعی شکل گیرد، عمل واقعی و معنادار ایجاد می‌شود (جان‌بزرگی و سرآبادانی، ۱۳۹۹). پژوهش‌های مختلفی نشان می‌دهند که خداپنداره با سلامت روان در ارتباط است (ر.ک: جان‌بزرگی و انصاری، ۱۳۹۵؛ غباری و حدادی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین خداپنداره و خداپنداشت می‌تواند در پیش‌بینی نظم‌جویی هیجان مؤثر باشد.

در کنار بحث خداپنداره و خداپنداشت، بحث خودپنداره^۳ و خودپنداشت^۴ هم در رویکردهای معنوی و مذهبی، به ویژه رویکردهای معنوی اسلامی نقش پراهمیتی دارد؛ خودپنداره به معنای خود آن‌گونه که از زاویه دیگران ادراک و درونی کرده، و خودپنداشت به معنای خود آن‌گونه که از درون ادراک می‌کنیم و با واقعیت تطابق دارد (جان‌بزرگی و سرآبادانی، ۱۳۹۹)؛ هم‌چنین خودپنداشت با راهبرد انطباقی نظم‌جویی هیجان رابطه مثبت و راهبردهای غیرانطباقی نظم‌جویی

1. Moriarty Glendon L, Hoffman Louis

2. Hoffman

3. Self image

4. Self concept

هیجان رابطه منفی دارد (هسیه و استرایت،^۱ ۲۰۱۲). خودپنداره و خودپنداشت با خداپنداره و خداپنداشت هم در ارتباط است (انصاری و جان‌بزرگی، ۱۳۹۵).

در کنار متغیرهای مذهبی، یکی دیگر از متغیرها که نقش زیادی در بحث نظم‌جویی هیجان دارد؛ بحث سبک دل‌بستگی است. بالبی^۲ (۱۹۶۹) دل‌بستگی را به‌عنوان پیوندی قوی تعریف می‌کند که بین والد و کودک برقرار و سپس این حالت به روابط فرد با دیگران نیز منتقل می‌شود. پژوهش‌های گوناگونی نشان می‌دهند که دل‌بستگی با نظم‌جویی شناختی هیجان در ارتباط است؛ مانند: کیهن^۳ و همکاران (۲۰۱۹)، هنشل^۴ و همکاران (۲۰۲۰)، کهواگ^۵ و همکاران (۲۰۲۰) کرسٹین^۶ (۲۰۱۷). همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سبک‌های دل‌بستگی با خداپنداره و خودپنداره نیز در ارتباط می‌باشند (مانند: زارزیکا^۷ و همکاران، ۲۰۱۹؛ غباری و حدادی، ۱۳۹۰). جان‌بزرگی (۱۳۹۸) یکی از اموری را که در ادراک فرد تأثیر می‌گذارد، مباحث تحولی مانند سبک دل‌بستگی می‌داند. اینسورث^۸ و همکارانش (۲۰۱۵) چهار نوع سبک دل‌بستگی ایمن، دوسوگرا اضطرابی، اجتنابی و سرگردان را معرفی می‌کنند.

در میان مطالعات بررسی رابطه دل‌بستگی و نظم‌جویی شناختی هیجان، برخی به نقش واسطه‌ای نیرومندی من اشاره کرده‌اند (بشارت و همکاران، ۱۳۹۴)؛ همچنین با توجه به نظریه اریکسون نیرومندی من در نظام اریکسون بسیار تحت تأثیر مباحث مذهبی و معنوی است (مارکستروم^۹ و همکاران، ۱۹۹۷) و نیز هویت معنوی در رویکرد درمان چندبعدی معنوی مذهبی تحت تأثیر خداپنداره/خداپنداشت و خودپنداره/خودپنداشت می‌باشد و هویت معنوی با هویت اریکسون در ارتباط است (مارکستروم و همکاران، ۲۰۰۷). اریکسون نیرومندی من را این چنین تعریف می‌کند که نیرومندی من صفات خاصی است که در مراحل متوالی زندگی به انسان زندگی و انگیزه می‌دهد (همان). نیرومندی من به داشتن هشت ویژگی برای انسان در مراحل تحول روانی اجتماعی اشاره دارد؛ این ویژگی‌ها عبارتند از: امید، اراده، هدف، شایستگی، وفاداری، عشق، مراقبت و خرد (مارکستروم و همکاران، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۷).

1. Hsieh Manying, Stright Anne Dopkins

2. Bowlby, J

3. Ceyhan E

4. Henschela S

5. Kahwagi RM

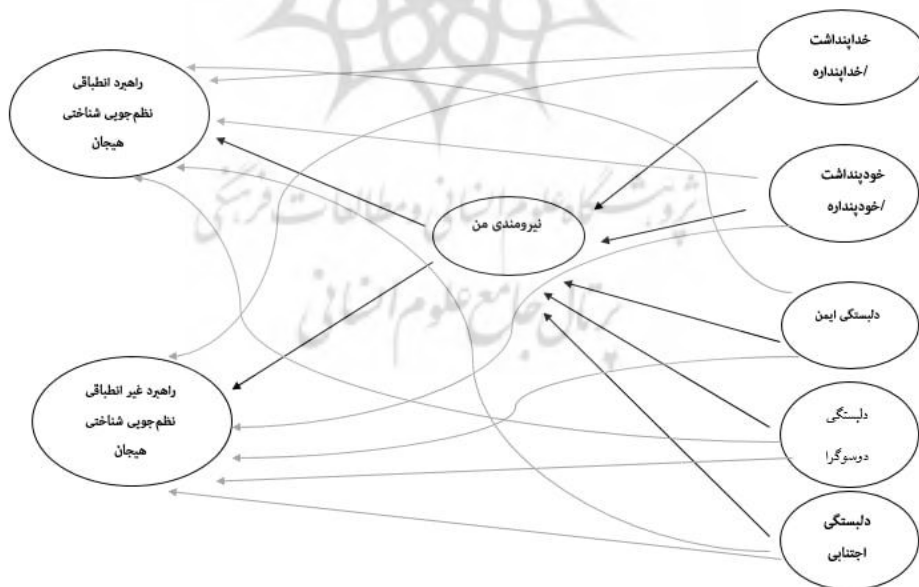
6. Kerstine S

7. Zarzycka

8. Ainsworth

9. Markstrom Carol A

با توجه به پژوهش‌ها می‌توان گفت بین خداپنداشت/خداپنداره، خودپنداره/خودپنداشت و سبک دلبستگی با نظم‌جویی شناختی هیجان ضمن در نظر گرفتن نیرومندی من به‌عنوان یک مکانیسم واسطه‌ای رابطه وجود دارد و نیز با نظر به اهمیت نقش نظم‌جویی شناختی هیجان در بحث سلامت روان که می‌تواند مداخله آن در پیشگیری اختلال‌های روانی یا درمان آنها و همچنین بهبود کیفیت زندگی تأثیر گذارد، بهتر است مداخلات ما چندسازه اثرگذار بر نظم‌جویی شناختی هیجان را هدف قرار دهند که بتواند در نظم‌جویی شناختی هیجان نقش داشته باشد. مبنای این نوع کارها مدل‌های مفهومی برآمده از پژوهش‌ها است. پس به منظور بررسی تأثیر مفاهیم خداپنداره/خداپنداشت، خودپنداره/خودپنداشت و سبک دلبستگی با میانجی‌گری نیرومندی من بر نظم‌جویی شناختی هیجان می‌توان مدلی را برای بررسی مسیرها ارائه کرد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد متغیر خداپنداره - خودپنداره و سبک دلبستگی در کنار هم با نظم‌جویی شناختی هیجان و نیز این متغیرها با میانجی‌گری نیرومندی من در رویکرد اریکسون مورد پژوهش قرار نگرفته است و با توجه به اهمیت این مباحث در فرهنگ ایرانی که تقریباً جامعه مذهبی است، مسئله پژوهش حاضر این است که آیا الگوی طراحی شده در مورد تأثیر خداپنداره، خودپنداره و سبک دلبستگی بر نظم‌جویی شناختی هیجان با توجه به نقش واسطه‌ای نیرومندی من در نمونه مورد نظر از برآزش مناسبی برخوردار است؟



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع طرح‌های همبستگی و مبتنی بر روابط ساختاری (مدل‌سازی معادلات ساختاری) است که از مدل‌های علی برای بررسی روابط متغیرها استفاده می‌شود. مدل‌یابی معادلات ساختاری بر پایه فرضیه‌هایی درباره وجود روابط علی بین متغیرها و مدل‌های علی را با دستگاه معادله خطی آزمون می‌کند. در این پژوهش خداینداره/خودپنداره و سبک‌های دل‌بستگی متغیر پیش‌بین، نظم‌جویی شناختی هیجان متغیر ملاک و نیرومندی من به‌عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شده است.

آزمودنی

الف) جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه تهران (پردیس فارابی) با تعداد ۸۸۱۶ نفر و دانشگاه شاهد تهران با تعداد ۵۴۳۷ نفر در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ است.

ب) نمونه پژوهش: روش نمونه‌گیری به سبب شرایط موجود در دوران همه‌گیری ویروس کرونا، روش نمونه‌گیری در دسترس و نمونه از جامعه همه دانشجویان مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری این دو دانشگاه است. برای حجم نمونه پیشنهاد جیمز استیونس در تحلیل رگرسیون چندگانه، پانزده مورد برای هر متغیر است که با توجه به ارتباط معادلات ساختاری با رگرسیون چندمتغیری، این تعداد برای معادلات ساختاری هم حتماً مفید می‌باشد. البته بتلر و چو در معادلات ساختاری و تحلیل‌های SEM پنج مورد را کاهش می‌دهند، پس ده مورد برای هر متغیر قابل قبول است (هومن، ۱۳۹۵)؛ همچنین بنا به پیشنهاد دیامانتوپولوس^۱ و سیگاو^۲ (۲۰۱۳) مبنی بر ۲۰۰ نفر به‌عنوان حداقل حجم نمونه معتبر برای مطالعات مربوط به مدل‌سازی، لوهلین^۳ (۲۰۰۴) تأکید کرده است که برای استفاده از روش «مدل‌سازی معادلات ساختاری»، حداقل حجم نمونه ۱۰۰ نفر و حجم نمونه مطلوب ۲۰۰ نفر باشد. کلاین^۳ (۲۰۱۱) حجم نمونه ۲۰۰ نفری را توصیه می‌کند. با توجه به این مطالب حجم نمونه ۲۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های شاهد و تهران، پس از ریزش آزمون‌های ناقص برای تحلیل لحاظ شد. افراد برای ورود به این پژوهش نیاز بود که موارد زیر را داشته باشند: دانشجو بودن، رضایت به شرکت در پژوهش، داشتن حوصله و زمان کافی برای تکمیل پرسشنامه‌ها.

1. Diamantopoulos,

2. Loehlin ,J .C

3. Kline ,R.B

ابزارهای پژوهش

ابزار گردآوری این پژوهش داده‌ها شامل چهار پرسشنامه بود که به توضیح هریک از آنها می‌پردازیم:

۱. پرسشنامه خداپنداره-خودپنداره برای مداخلات معنوی: جان‌بزرگی این آزمون را در سال ۱۳۹۹ ساخته است. تعداد گویه‌های این آزمون ۴۰ گویه و نحوه نمره‌گذاری لیکرت چهار گزینه‌ای از ۱ (کاملاً موافق) تا ۴ (کاملاً مخالف) می‌باشد. این آزمون چهار زیرمقیاس دارد که عبارتند از: الف) خداپنداره شامل سؤالات ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۵؛ ب) خداپنداشت شامل سؤالات: ۱، ۳، ۵، ۶، ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۹، ۲۲، ۲۴؛ ج) خودپنداره شامل سؤالات از قسمت دوم آزمون: ۱، ۳، ۴، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۴ و د) خودپنداشت شامل سؤالات از قسمت دوم آزمون: ۲، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۵. این آزمون نمره کل ندارد. اعتبار و پایایی این آزمون در داخل سنجیده می‌شود که به این شرح است: برای اعتبار صوری این آزمون نخست به صورت کیفی نظر چهار روان‌شناس متخصص پرسیده شد، سپس برای سنجش اعتبار محتوای کمی این آزمون نظر ده متخصص دریافت و بر اساس فرمول CVI به ده روان‌شناس ارائه شد و پذیرش آیت‌ها براساس نمره CVI بالاتر از ۰/۷۹ اتفاق افتاد. سؤالات قسمت اول، ۲۷ سؤال بود که دو سؤال به سبب CVI حذف شد. اعتبار هم‌زمان این آزمون با پرسشنامه ادراک خدا محاسبه گردید که همبستگی ۰/۴۶۹ و معنادار گزارش شده است. برای سنجش پایایی، همبستگی آزمون مجدد خداپنداره ۰/۸۰۶ در سطح اطمینان ۰/۰۰۱ و برای خودپنداره برابر ۰/۵۸۲ در سطح اطمینان ۰/۰۰۱ و معنادار است. در زمینه ضریب همسانی درونی، آلفای کرونباخ کل قسمت اول آزمون، ۰/۷۴ و خداپنداره ۰/۸۰۱، خداپنداشت ۰/۷۳۳ گزارش شده و آلفای کرونباخ کل قسمت دوم آزمون ۰/۶۳۹، خودپنداره ۰/۷۴۵، خودپنداشت ۰/۵۲۲ گزارش شده است؛ همچنین برای تحلیل عاملی اکتشافی پرسشنامه از راه روش چرخش و تکرار واریماکس، شاخص KMO برای خداپنداره مساوی ۰/۸۵۲ و برای خودپنداره ۰/۷۵۴ به دست آمده است (جان‌بزرگی و سرآبادانی، ۱۳۹۹).

۲. پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان (CERQ-P): گارنفسکی و همکارانش در سال ۲۰۰۱ نسخه اصلی پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان را ساختند، اما در سال ۲۰۰۶ گارنفسکی و کرایچ نسخه کوتاه را تهیه کردند. تعداد گویه‌های این آزمون ۱۸ گویه است. نحوه نمره‌گذاری این آزمون در طیف پنج گزینه‌ای لیکرت از ۱ (تقریباً هرگز) تا ۵ (تقریباً همیشه) صورت می‌گیرد. این آزمون نه زیرمقیاس دارد که هر کدام دو سؤال را به خود اختصاص می‌دهند؛ زیرمقیاس‌های این آزمون عبارتند از: ملامت خویش (سؤالات ۴، ۱۴)، پذیرش (۱، ۵)،

نشخوارگی (۲، ۶) تمرکز مجدد مثبت (۷، ۱۱)، تمرکز مجدد در برنامه‌ریزی (۱۲، ۱۵)، ارزیابی مجدد مثبت (۳، ۸)، دیدگاه‌گیری (۱۳، ۱۶)، فاجعه‌سازی (۹، ۱۷)، ملامت دیگران (۱۰، ۱۸). البته از این مقیاس‌ها دو مقیاس کلی انطباقی و غیرانطباقی هم قابل استخراج است. راهبرد انطباقی میانگین نمرات مقیاس‌های دیدگاه‌گیری، تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی است. برای راهبرد غیرانطباقی میانگین زیرمقیاس‌های ملامت خود، ملامت دیگران، نشخوارگی و فاجعه‌سازی محاسبه می‌شود. در ویژگی‌های روان‌سنجی این آزمون در خارج از کشور گارنفسکی و کرایچ ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را بین ۰/۸۱ و اعتبار بیرونی آن را با استفاده از زیرمقیاس‌های اضطراب و افسردگی سیاهه نشانگان روان‌شناختی بین ۰/۲۱ تا ۰/۵۵ گزارش کرده‌اند. در ایران نیز حسنی این آزمون را مورد مطالعه قرار داد و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ تا ۰/۹۲ برای نسخه اصلی و ۰/۷۶ تا ۰/۸۲ برای فرم کوتاه را گزارش کرد. اعتبار هم‌زمان این مقیاس با سیاهه افسردگی بک بین ۰/۲۱ تا ۰/۴۵ در $P < ۰/۰۰۰۱$ گزارش شده و ماتریس بار عاملی این آزمون نشان داد که همه بیش از ۰/۴ است. ضریب بازآزمایی بین ۰/۵۱ تا ۰/۷۷ گزارش شده است. پس ویژگی‌های روان‌سنجی مناسبی را می‌توان برای این آزمون در نظر گرفت (اخوان و همکاران، ۱۳۹۷؛ حسنی، ۱۳۹۰).

۳. پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید: این مقیاس در سال ۱۹۹۰ توسط کولینز و رید ساخته شد. این آزمون هجده گویه دارد. نحوه نمره‌گذاری پنج گزینه‌ای لیکرتی است که از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. این مقیاس از سه زیرمقیاس تشکیل شده است. زیرمقیاس نزدیک بودن (A) که سبک دلبستگی اضطرابی / دو سوگرا را می‌سنجد. سؤالاتی که این زیرمقیاس را سنجش می‌کنند؛ عبارتند از: ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵. زیرمقیاس وابستگی (D) که معکوس سبک دلبستگی اجتنابی را می‌سنجد. سؤالاتی که این زیرمقیاس را سنجش می‌کنند؛ عبارتند از: ۲، ۵، ۷، ۱۴، ۱۶، ۱۸. البته سؤال‌های ۵، ۱۶ و ۱۸ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. زیرمقیاس نزدیک بودن (C) که سبک دلبستگی ایمن را می‌سنجد. سؤالاتی که این زیرمقیاس را سنجش می‌کنند؛ عبارتند از: ۱، ۶، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۷. البته سؤال‌های ۶، ۸ و ۱۷ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. کولینز و رید آلفای کرونباخ را مقیاس ۰/۶۹C، مقیاس ۰/۷۵D و مقیاس ۰/۷۲A گزارش کرده‌اند. پاکدامن (۱۳۸۵) از کولینز و رید نقل می‌کند که در فاصله زمانی ۲ و ۸ ماه ثابت می‌ماند و آلفای کرونباخ آنها بالای ۰/۸۰ می‌باشد که نشان از اعتبار بالاست. در ایران نیز پاکدامن با استفاده از روشی به صورت همبستگی بین دو اجرا بر روی نمونه با حجم ۱۰۰ نفر را بررسی کرد و تفاوت بین دو اجرا را معنادار ندانست؛ پس این آزمون در ۰/۹۵

قابل اعتماد است. تیموری و همکارانش (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود پایایی زیرمقیاس C:0/73، A:0/74 و D:0/68 را گزارش کرده‌اند؛ همچنین زیباکردار در ایران ویژگی‌های روان‌سنجی را این‌گونه گزارش می‌کند: آلفای کرونباخ برابر با 0/718 می‌باشد و اعتبار سازه پرسشنامه با تحلیل عاملی بررسی شده و مقدار کفایت نمونه‌برداری برابر با 0/748 است. نتایج تحلیل عاملی با چرخش واریماکس به استخراج سه عامل انجامید که بر روی هم 37/695 از واریانس کل را تبیین می‌کند و 15/60 از واریانس کل مربوط به عامل اول و 12/14 از واریانس کل مربوط به عامل دوم و 9/95 از واریانس کل مربوط به عامل سوم می‌باشد (زیباکردار و همکاران، ۱۳۹۲).

۴. پرسشنامه نیرومندی من: مارک استروم و همکارانش در سال ۱۹۹۷ این پرسشنامه را ساختند. این آزمون ۳۲ گویه دارد. نحوه نمره‌گذاری این آزمون به شیوه لیکرتی پنج گزینه‌ای از ۵ (کاملاً موافقم) تا ۱ (کاملاً مخالفم) است. این پرسشنامه هشت زیرمقیاس دارد که عبارتند از: امید؛ سؤالاتی که این زیرمقیاس را می‌سنجند؛ عبارتند از: ۸، ۲۱، ۲۴، ۲۹ (سؤال ۲۴ و ۲۹ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود). اختیار؛ سؤالاتی که این زیرمقیاس را می‌سنجند؛ عبارتند از: ۱، ۱۲، ۱۵، ۳۲ (سؤال ۱ و ۱۵ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود). هدف؛ سؤالاتی که این زیرمقیاس را می‌سنجند؛ عبارتند از: ۹، ۱۶، ۲۲، ۳۱ (سؤال ۹ و ۲۲ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود). کارایی؛ سؤالاتی که این زیرمقیاس را می‌سنجند؛ عبارتند از: ۵، ۶، ۱۷ و ۱۹ (سؤال ۵ و ۱۷ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود). پایبندی؛ سؤالاتی که این زیرمقیاس را می‌سنجند؛ عبارتند از: ۱۱، ۱۳، ۲۳ و ۲۶ (سؤال ۲۳ و ۲۶ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود). عشق؛ سؤالاتی که این زیرمقیاس را می‌سنجند؛ عبارتند از: ۳، ۷، ۲۰ و ۳۰ (سؤال ۷ و ۲۰ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود). مراقبت؛ سؤالاتی که این زیرمقیاس را می‌سنجند؛ عبارتند از: ۴، ۱۰، ۱۸ و ۲۸ (سؤال ۱۸ و ۲۸ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود). خرد؛ سؤالاتی که این زیرمقیاس را می‌سنجند؛ عبارتند از: ۲، ۱۴، ۲۵ و ۲۷ (سؤال ۱۴ و ۲۵ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود). این آزمون نمره کل دارد که از مجموع نمرات همه هشت مقیاس به دست می‌آید. اعتبار صوری و محتوایی این پرسشنامه از سوی چند تن از شاگردان اریکسون مورد تأیید قرار گرفته است. اعتبار هم‌زمان این مقیاس نیز با مقیاس‌های مختلف نشان از اعتبار بالای این مقیاس دارد. مارکستروم اعتبار آن را با روش ضریب آلفای کرونباخ 0/68 گزارش کرده است. آلفای کرونباخ گزارش شده برای زیرمقیاس‌های این آزمون بین 0/52 تا 0/84 گزارش می‌شود. آلفای کرونباخ کل مقیاس هم 0/93 به دست آمده است. اعتبار هم‌زمان آن نیز با ارزیابی پیشرفت هویت، عزت نفس، هدف در زندگی، منبع کنترل درونی و نقش‌های جنسی نشان داده و اعتبار افتراقی آن نیز با همبستگی منفی بین نیرومندی من و ناامیدی، اغتشاش هویت و درماندگی

شخصی مشخص شده است (مارکستروم و همکاران، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۷؛ فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵). در ایران نیز الطافی و حیدری نسب (۱۳۹۰) بر روی نمونه‌ای ایرانی ۰/۹۱ و پایایی دونیمه‌سازی مقیاس را ۰/۷۷ گزارش کرده‌اند. فرم ۳۲ سؤالی نیز از اعتبار و اعتبار مناسبی برخوردار است؛ مارکستروم آلفای ۰/۹۱ را گزارش می‌کند. در ایران نیز در پژوهش حقیقت آلفای ۰/۸۶ گزارش شده است (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵)؛ همچنین رسول‌زاده طباطبایی و همکارانش (۱۳۸۸) آلفای کرونباخ فرم ۳۲ سؤالی را ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند.

شیوه انجام پژوهش

نخست پرسشنامه‌های موردنظر در یک بستر (پلتفرم) قرار داده، لینکی از آن استخراج شد و این لینک در اختیار افراد قرار گرفت که افراد با ورود به این لینک به بخش تکمیل پرسشنامه‌ها بروند. با توجه به حجم نمونه نیاز بود که جمعیت ۲۵۰ نفر نمونه از دانشجویان دانشگاه‌های تهران و شاهد برای پژوهش انتخاب شوند؛ تنها شرط افراد انتخاب شده دانشجوی بودن در این دانشگاه‌ها بود که تنها یک‌بار پرسشنامه‌های مورد نظر را تکمیل خواهند کرد و هیچ مداخله‌ای در این پژوهش اتفاق نخواهد افتاد. برای این کار دانشجویان مختلف در دانشگاه‌های تهران و شاهد به شیوه نمونه در دسترس به وسیله پژوهشگر انتخاب شدند و لینک در اختیار این افراد قرار گرفت تا پرسشنامه‌ها را تکمیل کنند. برای ارتباط با دانشجویان از راه‌های مختلفی استفاده شد؛ مانند ارتباط با اساتید دانشگاه‌ها و ارتباط‌گیری با دانشجویان از سوی اساتیدشان، ورود در گروه‌های مختلف دانشجویان در پیام‌رسان‌ها و ارائه لینک پرسشنامه‌ها و توضیح در مورد شیوه پژوهش. هیچ محدودیتی در زمان، مکان و... در مورد تکمیل پرسش‌نامه‌ها نبود. هر زمان و هر جایی می‌توانستند در بستر اینترنتی پرسشنامه‌های مورد نظر را تکمیل کنند. اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌ها تجمیع شد؛ اطلاعات به درد نخور و سوخته مثل پرسشنامه‌های تکمیل نشده از روند پژوهش حذف گردید و سایر اطلاعات آماده تحلیل قرار گرفت. اطلاعات جمع‌آوری شده به وسیله نرم‌افزارهای مختلف که در بخش تجزیه و تحلیل بیان شد، مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. برای ورود به این پژوهش اجباری وجود نداشت و افراد با رضایت خودشان وارد این پژوهش شدند.

شیوه تحلیل داده‌ها

در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده، افزون بر استفاده ضرایب همبستگی پیرسون با استفاده از SPSS26 برای بررسی مدل ارائه شده براساس روش معادلات ساختاری (SEM)، نرم‌افزار لیزرل نیز به کار رفت.

یافته‌ها

پیش از بررسی فرضیه‌های پژوهش و به‌کارگیری روش‌ها و آزمون‌های آماری لازم است مفروضه‌های لازم برای تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد بررسی قرار گیرد؛ بدین منظور نخست مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌ها با آزمون کولموگروف-اسمیرنف بررسی شد. با توجه به عدم معناداری مقدار آزمون کولموگروف می‌توان توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای تحقیق را نرمال فرض کرد. نتایج این آزمون در جدول ۱ ذکر آمده است.

جدول ۱. مقدار آزمون کولموگروف-اسمیرنف

متغیرها	مقدار آزمون کولموگروف-اسمیرنف	معناداری
خداپنداشت	۱/۰۷	۰/۲
خداپنداره	۱/۳۷	۰/۰۵۶
خودپنداره	۱/۶۳	۰/۱
خودپنداشت	۱/۶۳	۰/۱
سبک دلبستگی ایمن	۱/۸۸	۰/۲
سبک دلبستگی دوسوگرا	۱/۱۴	۰/۱۵
سبک دلبستگی اجتنابی	۱/۶۴	۰/۱
مؤلفه انطباقی نظم‌جویی	۰/۹۴	۰/۰۶
مؤلفه غیر انطباقی نظم‌جویی	۲/۰۴	۰/۲۵
نمره کل توانمندی من	۰/۸۸	۰/۴۱

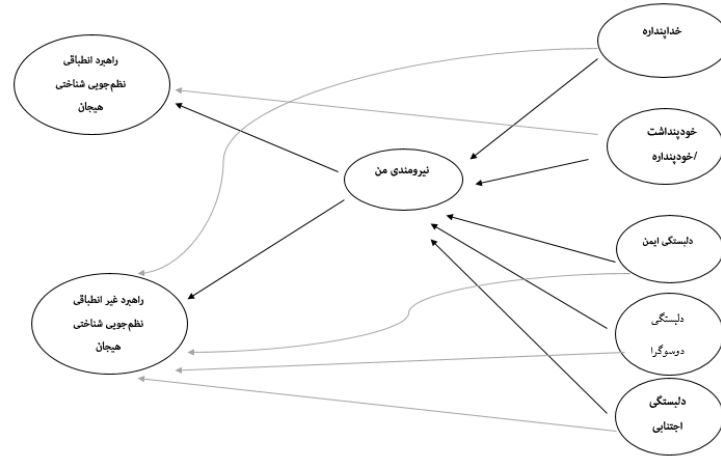
نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد که همبستگی‌های بین متغیرهای پژوهش حاضر، بیشتر معنادار هستند. با توجه به اینکه در این پژوهش زیرمقیاس‌های متغیر نظم‌جویی شناختی هیجان لحاظ نشده و دوزیرمقیاس کلی (نظم‌جویی انطباقی و غیرانطباقی) لحاظ شده است که از مجموع چند زیرمقیاس به دست می‌آید و نیز زیرمقیاس‌های نیرومندی من در این پژوهش لحاظ نشده است؛ در جدول، نُه زیرمقیاس نظم‌جویی شناختی هیجان و هشت زیرمقیاس نیرومندی من ذکر نشده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

عنوان	خداپنداشت	خداپنداره	خودپنداره	خودپنداشت	دلبستگی ایمن	دلبستگی دوسوگرا	دلبستگی اجتنابی	نیرومندی من
نظم‌جویی انطباقی	۰/۲۶۴	۰/۱۴۵	-۰/۴۲	۰/۳۸۵	۰/۲۱۹	۰/۲۶۶	۰/۰۹۶	۰/۵۰۹
معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۲۲	۰/۵۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۲۹	۰/۰۰۰
نظم‌جویی غیرانطباقی	-۰/۱۹۹	۰/۰۹۷	۰/۱۶۵	-۰/۲۳۶	-۰/۳۰۸	۰/۵۰۰	-۰/۲۲۱	-۰/۴۹۷
معناداری	۰/۰۰۲	۰/۱۷۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
نیرومندی من	۰/۴۲۹	۰/۱۳۶	-۰/۱۷۰	۰/۵۷۷	۰/۳۱۹	-۰/۵۴۴	۰/۲۳۹	۱
معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۳۲	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

در ادامه تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و همچنین معناداری آن با استفاده از روش تحلیل مسیر بررسی شد؛ به منظور ارزیابی و بررسی ساختار ارتباطی متغیرهای موجود در مدل پیشنهادی پژوهش و نیز آزمون نقش واسطه‌گری متغیر نیرومندی من در رابطه میان سبک‌های دلبستگی و خداینداره-خودپنداره با متغیر نظم‌جویی شناختی هیجان؛ هر یک از مراحل مطرح شده در مدل به‌عنوان یک مدل جداگانه با استفاده از روش آماری تحلیل مسیر مورد آزمون قرار گرفت.

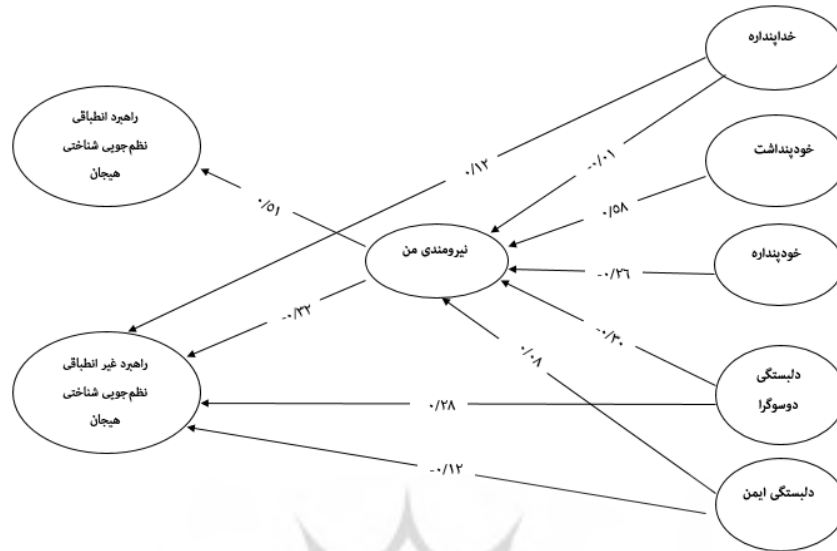
در بررسی رابطه مستقیم متغیرهای مستقل و وابسته برخی از مسیرها معنادار بودند، اما برخی از مسیر معنادار نشدند؛ مسیر خودپنداره (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/13$ و $T = -1/98$) و خودپنداشت (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/31$ و $T = 4/06$) با راهبردهای انطباقی تنظیم شناختی هیجان معنادار و مسیر خداینداشت (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/09$ و $T = 1/23$)، خداینداره (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/02$ و $T = 0/22$)، سبک دلبستگی ایمن (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/10$ و $T = 1/62$)، سبک دلبستگی دوسوگرا / اضطرابی (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/08$ و $T = -1/2$)، سبک دلبستگی دوسوگرا (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/01$ و $T = -0/07$) با راهبرد انطباقی تنظیم شناختی هیجان غیر معنادار است و مسیر خداینداره (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/16$ و $T = -2/38$) و سبک دلبستگی ایمن (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/16$ و $T = -2/87$)، سبک دلبستگی دلبستگی دوسوگرا / اضطرابی (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/34$ و $T = 5/31$)، سبک دلبستگی اجتنابی (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/12$ و $T = -2/23$) با راهبردهای غیر انطباقی تنظیم شناختی هیجان معنادار و مسیر خداینداشت (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/12$ و $T = -1/91$)، خودپنداره (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/09$ و $T = 1/55$)، خودپنداشت (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/08$ و $T = -1/11$)، با راهبرد غیر انطباقی تنظیم شناختی هیجان غیر معنادار است. با توجه به عدم معناداری برخی مسیرهای مستقیم اصلاح مدل ضروری می‌باشد. مدل اصلاح شده اولیه در نمودار ۲ مشخص شده است. در این مدل مسیرهای نظم‌جویی انطباقی غیر از مسیر خودپنداره/خودپنداشت و همچنین خداینداشت به صورت کلی از مدل حذف شد.



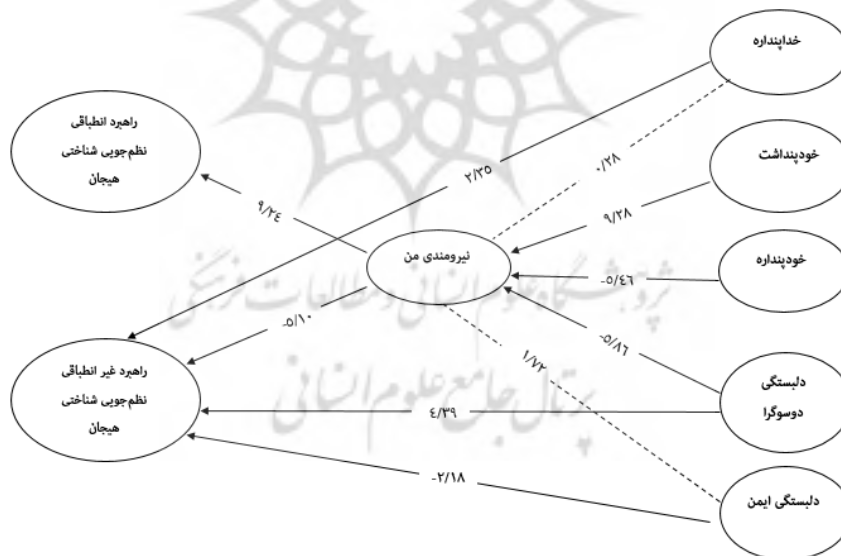
نمودار ۲. مدل اصلاح‌شده اولیه

سپس مسیر متغیرهای مستقل را با متغیر میانجی مورد بررسی قرار دادیم که مسیر خودپنداره (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/25$ و $T = -5/25$)، خودپنداشت (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/51$ و $T = 9/22$)، سبک دلبستگی دوسوگرا/ اضطرابی (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/28$ و $T = -5/48$) با نیرومندی من معنادار و مسیر خداپنداره (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/01$ و $T = -0/04$)، سبک دلبستگی ایمن (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/09$ و $T = 1/81$)، سبک دلبستگی اجتنابی (با ضریب تأثیر استاندارد: $0/06$ و $T = 1/32$) با نیرومندی من غیر معنادار بود.

پس از این مسئله مدل اصلاح‌شده را با وارد کردن متغیر میانجی مورد بررسی قرار دادیم که در این مدل خداپنداره و خودپنداشت و خودپنداره پیش‌بینی‌کننده مستقیم راهبرد انطباقی تنظیم هیجان شناختی نبودند؛ از سوی دیگر سبک دلبستگی اجتنابی هم پیش‌بینی‌کننده معنادار راهبرد غیرانطباقی تنظیم هیجان شناختی نبود؛ همچنین شاخص‌های برازش مدل نیز در حد مطلوبی قرار نداشتند؛ از این‌رو به اصلاح مدل در گام دوم پرداختیم. نمودارهای ۳ و ۴ نمرات استاندارد و معناداری مسیرها را مشخص می‌کنند و جدول ۳ و ۴ مدل اصلاح‌شده را نشان می‌دهند. مدل نهایی با اینکه در برخی شاخص‌های برازش در حد مطلوبی قرار ندارند، ولی در مجموع می‌توان با در نظر گرفتن تمامی شاخص‌های برازندگی مدل، مدل تحقیق را قابل قبول دانست. شاخص‌های برازندگی نیز در جدول ۵ آمده است.



نمودار ۳. مدل نهایی پژوهش (استاندارد)



نمودار ۴. مدل نهایی پژوهش (معناداری)

جدول ۳. مسیرهای مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته

تأیید/ رد	سطح معناداری	آماره T	گاما (ضرایب تأثیر استاندارد)	مقصد رابطه: متغیر وابسته (یا متغیر Y)	مبدأ رابطه (یا متغیرهای X)
تأیید	معنی‌دار	۲/۳۵	۰/۱۲	راهبرد غیرانطباقی	خداپنداره
تأیید	معنی‌دار	-۲/۲۱	-۰/۱۲	راهبرد غیرانطباقی	سبک دل‌بستگی ایمن
تأیید	معنی‌دار	۴/۳۴	۰/۲۸	راهبرد غیرانطباقی	سبک دل‌بستگی دوسوگرا

جدول ۴. ضرایب استاندارد مسیرهای غیرمستقیم مدل نهایی

سطح معناداری	آماره Z sobel	گاما (ضرایب تأثیر استاندارد)	متغیر میانجی	مقصد رابطه: متغیر وابسته (یا متغیر Y)	مبدأ رابطه: متغیرهای مستقل (یا متغیرهای X)
-----	۰/۲۸	۰/۰۱	نیرومندی من	راهبرد انطباقی	خداپنداره
معنادار	۴/۷	-۰/۱۴	نیرومندی من	راهبرد انطباقی	خودپنداره
معنادار	۶/۵۵	۰/۲۷	نیرومندی من	راهبرد انطباقی	خودپنداشت
-----	۱/۷	۰/۰۴	نیرومندی من	راهبرد انطباقی	سبک دل‌بستگی ایمن
معنادار	۴/۸	-۰/۱۵	نیرومندی من	راهبرد انطباقی	سبک دل‌بستگی دوسوگرا
---	۰/۲۸	-۰/۰۰۳	نیرومندی من	راهبرد غیرانطباقی	خداپنداره
معنادار	۳/۷۲	۰/۰۸	نیرومندی من	راهبرد غیرانطباقی	خودپنداره
معنادار	۴/۴۷	-۰/۱۶	نیرومندی من	راهبرد غیرانطباقی	خودپنداشت
---	۱/۶۳	-۰/۰۳	نیرومندی من	راهبرد غیرانطباقی	سبک دل‌بستگی ایمن
معنادار	۳/۸۵	۰/۰۹	نیرومندی من	راهبرد غیرانطباقی	سبک دل‌بستگی دوسوگرا

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌ها	χ^2	$\frac{\chi^2}{df}$	GFI	AGFI	CFI	NFI	NNFI	RMSEA	PGFI
مقدار	۴۹/۸۱	۳/۸۳	۰/۹۵	۰/۸۸	۰/۹۲	۰/۹۱	۰/۸۹	۰/۰۸۹	۰/۲
ملاک	غیرمعنادار (p=۰/۰۰)	۴ <	۰/۹ >	۰/۹ >	۰/۹ >	۰/۹ >	۰/۹ >	۰/۰۸ <	۰/۵ >

با توجه به مقادیر جدول ۵ و با اینکه مدل برخی شاخص‌های برازش را نگرفته است، اما با توجه به ملاک پذیرش در شاخص‌های مختلف، مدل در شاخص‌های نسبت‌خیزی دو به درجه آزادی، GFI، CFI، NFI از شاخص برازش مطلوب برخوردار است و با اینکه در برخی شاخص‌های دیگر در منطقه پذیرش شاخص برازش قرار نگرفته است؛ در نهایت می‌توان گفت مدل تجربی دارای برازش مطلوب و در نتیجه مدل نهایی، مدل مناسبی است.

با توجه به نمودار ۴ و جدول ۳ و تحلیل مسیرها، اثر مستقیم خداپنداره (با ضریب تأثیر استاندارد: ۰/۱۲ و $T=۲/۲۵$)، سبک دلبستگی ایمن (با ضریب تأثیر استاندارد: ۰/۱۲ - و ۱/۹۸ - $T=$) و سبک دوسوگرا (با ضریب تأثیر استاندارد: ۰/۲۸ و $T=۴/۲۴$) بر راهبرد غیرانطباقی نظم‌جویی شناختی هیجان معنادار است؛ به عبارت دیگر با وجود میانجی‌گری نیرومندی من، تأثیر مستقیم اینها حذف نشد و خداپنداره و سبک دلبستگی دوسوگرا تأثیر مستقیم و مثبت و سبک دلبستگی ایمن تأثیر مستقیم و منفی بر راهبرد غیرانطباقی نظم‌جویی شناختی هیجان داشت؛ همچنین با توجه به جدول ۴، اثر غیرمستقیم (میانجی‌گری نیرومندی من) خودپنداره، خودپنداشت و سبک دلبستگی دوسوگرا بر راهبردهای انطباقی و غیرانطباقی نظم‌جویی شناختی هیجان معنادار می‌باشد. پس می‌توان گفت که برخی از متغیرها پژوهش بدون میانجی‌گری اثر می‌گذارد و در برخی دیگر از متغیرها، نیرومندی من نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف مطالعه حاضر تعیین برآزش مدل پیشنهادی است که بنابر آن، خداپنداره/خداپنداشت، خودپنداره/خودپنداشت و سبک‌های دلبستگی براساس میانجی‌گری نیرومندی من، نظم‌جویی شناختی هیجان را پیش‌بینی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین خداپنداشت، خودپنداره، خودپنداشت و سبک‌های دلبستگی با نظم‌جویی شناختی هیجان و نیرومندی من، طبق فرضیات پژوهش رابطه معنادار وجود دارد. این یافته‌ها همسو با نتایج مطالعات مختلفی است که برخی اشاره می‌کنند؛ مانند ویشکین و همکاران (۲۰۱۹)، لائورین و همکاران (۲۰۱۱)، هسیه و استریپ (۲۰۱۲)، هنشل و همکاران (۲۰۲۰)، کیهن و همکاران (۲۰۱۹)، اخوان و همکاران (۱۳۹۷) و عبود و ایدری (۲۰۲۰).

همان‌طور که در یافته‌ها بیان شد، برخی از زیرمقیاس‌ها از مدل نهایی حذف شدند و ما ناگزیر به اصلاح مدل شدیم؛ بر این اساس در مدل نهایی خداپنداره و سبک دلبستگی ایمن به صورت مستقیم نظم‌جویی غیرانطباقی را پیش‌بینی می‌کنند و خودپنداره، خودپنداشت و سبک دلبستگی دوسوگرا با میانجی‌گری نیرومندی من، نظم‌جویی شناختی انطباقی و غیرانطباقی را پیش‌بینی می‌کنند. مدل مفهومی حاضر در پژوهش‌ها بررسی نشده است، اما بخش رابطه سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری نیرومندی من با نظم‌جویی شناختی هیجان با پژوهش بشارت و همکاران (۱۳۹۴) همسو می‌باشد.

اینکه برخی از زیرمقیاس‌ها از مدل حذف شد، می‌تواند به این علت باشد که مدل پیشنهادی

براساس پیشینه تدوین شده بود که بیشتر به روابط همبستگی و رگرسیونی متغیرها می‌پردازد و این شیوه‌ها نمی‌توانند اثرهای غیرمستقیم را بررسی کنند؛ همچنین می‌توان گفت مدل در مورد نمونه ۲۵۰ نفری از دانشجویان و به صورت آنلاین در شرایط کرونا انجام شده بود و این امر خود می‌تواند در یافته‌ها و نتایج تأثیرگذار باشد؛ بدین ترتیب می‌توانیم بگوییم که این نتایج در مورد این نمونه است. هم‌چنین زیرمقیاس خداپنداشت از مفاهیمی سخت است که می‌تواند علت حذف باشد و نیز حذف سبک دلبستگی اجتنابی همسو با پیشینه پژوهشی مانند پژوهش اخوان و همکاران (۱۳۹۷) است.

برای تبیین این بحث باید بگوییم که بحث پنداره^۱ و پنداشت^۲ نقش مهمی در تبیین این مسئله دارند؛ زیرا پنداره تصویر ساختگی و غیرواقعی و پنداشت تصویر واقعی و تجربه شده افراد می‌باشند. این امر هم می‌تواند به حوزه ادراک مبدأ (خدا) مربوط باشد و هم به حوزه ادراک خود. با توجه به این مطلب خداپنداره و خودپنداره چون تصویر ساختگی و غیرواقعی و مبتنی بر هیجان‌های دوران کودکی می‌باشند، با نظم‌جویی انطباقی رابطه منفی و با نظم‌جویی غیرانطباقی رابطه مثبت دارند؛ همچنین این دو به سبب اینکه مسیر آسیب هستند، روی نیرومندی من هم اثر منفی دارند درحالی‌که خودپنداشت به دلیل واقعی و عقلانی بودن روی نظم‌جویی انطباقی اثر مثبت و روی نظم‌جویی غیرانطباقی اثر منفی دارد و نیز روی نیرومندی من هم اثر مثبت دارد (جان‌بزرگی، ۱۳۹۸).

نیرومندی من می‌تواند تحت تأثیر نحوه تعامل والدین با کودک که نمود آن در دلبستگی مشهود است و همچنین بحث دین و مذهب باشد. (مارکستروم، ۲۰۰۷)؛ در نتیجه این دو می‌توانند نیرومندی من را پیش‌بینی کنند و نیرومندی من با چنین راهبردهایی روی نظم‌جویی شناختی هیجان تأثیر گذارد: ۱. مکانیزم تاب‌آوری؛ ۲. استفاده از راهبردهای دفاعی رشدیافته؛ ۳. استفاده از راهبردهای کارآمد مقابله با تنیدگی؛ همچنین نیرومندی من می‌تواند مهارت حل مسئله را در افراد تقویت کند و می‌توان گفت که راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان از مؤلفه‌های سبک مقابله مسئله محور به شمار می‌روند (بشارت و همکاران، ۱۳۹۴).

سبک‌های دلبستگی ارتباط زیادی با بحث هیجان و نظم‌جویی و تعدیل هیجان دارد و هنگامی که سالم شکل نگیرد، افراد نمی‌توانند احساس ایمنی کنند؛ پس امکان شناخت هیجان منفی و تعدیل آن کمتر می‌شود. در رویکرد دلبستگی کیفیت دسترس‌پذیری و کیفیت موضوع دلبستگی که

1. image

2. Concept

همان مادر می‌تواند باشد، بنابر پاسخگویی مادر به نیازها و... ایجاد و یکی از منابع اصلی تنوع راهبردهای نظم‌دهی عواطف و احساس‌ها شمرده می‌شود (بالبی، ۱۹۷۳)؛ به عبارت دیگر وقتی افراد دارای سبک دلبستگی مناسب هستند، به صورت سازش‌یافته‌تری با وقایع و هیجان‌های منفی و مثبت برخورد می‌کنند. پس سبک دلبستگی از عوامل بیرونی نظم‌جویی هیجان است، چون سبک دلبستگی شامل راهبردهای رفتاری، عاطفی، شناختی است که می‌تواند سبب فعال‌سازی، ابراز یا مانع ایجاد هیجان شود و یا اینکه هیجان را تغییر یا سرکوب کند و این راهبردها به راحتی در فرایند نظم‌جویی هیجان اثرگذارند (بشارت و همکاران، ۱۳۹۶).

در رویکرد بالبی، دلبستگی از سوی یک مراقب ایجاد می‌شود (بالبی، ۱۹۷۳) و برخورد درست او سبب شکل‌گیری سبک دلبستگی سالم و برخورد ناسالم، سبب ایجاد سبک دلبستگی ناسالم می‌شود. افرادی که مراقب مطمئن داشته‌اند، مراحل تحولی خود را درست پیش رفته و توانسته‌اند نیازهای تحولی خود را تأمین کنند و این مسئله سبب ایجاد یک من مستحکم و قوی در افراد می‌شود. این من قوی دارای نیرومندی من بالاست. پس می‌توان این یافته‌ها را این‌گونه تبیین کرد که سبک‌های دلبستگی ایمن موجب نیرومندی من شده‌اند و در مقابل افرادی که سبک دلبستگی ایمن را تجربه نکرده، نیرومندی من را نیز تجربه نکرده‌اند (بشارت و همکاران، ۱۳۹۴).

در پایان این نکته ضروری است که پژوهش پیش‌رو با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود که می‌تواند در تعمیم نتایج مشکلاتی ایجاد کند؛ از جمله این محدودیت‌ها مقطعی و از نوع همبستگی بودن طرح پژوهش، نمونه غیربالینی و دانشجویی، اجرای آزمون به صورت آنلاین، اجرای آزمون‌ها به صورت خودگزارشی که می‌تواند با بی‌دقتی همراه باشد، اجرای آزمون در شرایط پاندمی کرونا و به صورت روش نمونه‌گیری در دسترس و بررسی نکردن زیرمقیاس‌های برخی از متغیرها. پس پیشنهاد می‌شود که نمونه این پژوهش در گروه‌های بالینی، افرادی که درمان چندبعدی معنوی را دریافت کرده‌اند، در نمونه‌های بزرگ‌تر نیز تکرار شود؛ همچنین تحلیل زیرمقیاس‌های برخی متغیرها مانند نیرومندی من در پژوهش‌های بعدی بسیار سودمند است.

منابع

۱. اخوان، فاطمه؛ محمدرضا شعیری و محمد غلامی (۱۳۹۷)، «روابط ساختاری سبک دلبستگی با پریشانی روان‌شناختی: نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان»، مجله روان‌شناسی بالینی، دوره ۱۰، ش ۳، ص ۶۳-۷۵.
۲. انصاری، حسن و مسعود جان‌بزرگی (۱۳۹۵)، «بررسی ارتباط خداپنداره با خودپنداره، بررسی ارتباط در درمان مذهبی (معنوی) اختلالات روانی»، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، دوره ۱۰، ش ۱۹، ص ۱۱۵-۱۳۰.
۳. بشارت، محمدعلی؛ ساره تاج‌دین و مسعود غلامعلی (۱۳۹۶)، «نقش میانجی‌گر دشواری نظم‌جویی هیجان در رابطه سبک‌های دلبستگی و تعارضات زناشویی»، علوم روان‌شناختی، دوره ۱۶، ش ۶۱، ص ۲۰-۴۴.
۴. بشارت، محمدعلی؛ محمدمهدی اسدی و فهیمه تولاییان (۱۳۹۴)، «نقش واسطه‌ای استحکام من در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و راهبردهای نظم‌دهی شناختی هیجان»، روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، دوره ۱۲، ش ۴۶، ص ۱۰۷-۱۱۹.
۵. پاکدامن (۱۳۸۵)، «بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانان»، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران.
۶. تیموری، علی؛ مسعود غلامعلی لواسانی و علیرضا بخشایش (۱۳۹۱)، «پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک دلبستگی و خودمتمایزسازی»، خانواده‌پژوهی، دوره ۸، ش ۳۲، ص ۴۴۱-۴۶۳.
۷. جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۵)، «درمان چندبعدی معنوی: امکان تبیین پدیده‌های روانی (سلامتی و اختلال) با سازه‌های معنوی شخصیت بر اساس منابع دینی»، روان‌شناسی بالینی و شخصیت، ش ۲۷، ص ۱۷۳-۱۸۹.
۸. جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۸)، درمان چندبعدی معنوی: یک رویکرد خداسو برای مشاوره و روان‌درمانگری (فنون و برنامه‌ها)، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. جان‌بزرگی، مسعود و آسا سرآبادانی (۱۳۹۹)، «اعتبار و روایی و ساختار عاملی پرسش‌نامه خودپنداره-خداپنداره برای مداخله‌های معنوی»، فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌سنجی، ش ۳۳، ص ۴۵-۶۲.

۱۰. جان‌بزرگی، مسعود و حسن انصاری (۱۳۹۵)، «بررسی اثربخشی درمان‌شناختی رفتاری مبتنی بر پیش‌فرض‌های خداپنداره، خودپنداره و آخرت‌پنداره بر شدت اختلال وسواس بی‌اختیاری: مطالعه موردی»، روان‌شناسی و دین، س ۹، ش ۴، ص ۲۵-۴۰.
۱۱. حسنی، جعفر (۱۳۹۰)، «بررسی اعتبار و روایی فرم کوتاه پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان»، تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۹، ش ۴، ص ۲۲۹-۲۴۰.
۱۲. رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم؛ فرشته حقیقت و سمیه زاده‌هوش (۱۳۸۸)، «نیرومندی من، شدت درد و خودکارآمدی مربوط به درد در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس: بررسی نقش متغیرهای واسطه‌ای»، پژوهش در سلامت روان‌شناختی، دوره ۳، ش ۲، ص ۶۱-۷۲.
۱۳. زیباکردار، معصومه؛ نسترن شریفی و حسن پاشاشریفی (۱۳۹۲)، «بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان کولینزورید و رابطه آن با پنج عامل شخصیتی NEO-FFI»، پایان‌نامه ارشد روان‌شناسی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۱۴. شهابی، مهرنسا؛ سیدامیر امین یزدی، علی مشهدی و جعفر حسنی (۱۳۹۶)، «نقش‌نگرش مذهبی در تحمل پریشانی روان‌شناختی و دشواری نظم‌جویی هیجان دانشجویان دانشگاه تهران»، مجله پژوه در دین و سلامت، دوره ۳، ش ۴، ص ۳۲-۴۷.
۱۵. الطافی، ش. (۱۳۹۰)، «بررسی و مقایسه قدرت ایگو و صفات شخصیتی وابسته به مصرف مواد و مستقل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد.
۱۶. غباری بناب، باقر و علی‌اکبر حدادی (۱۳۹۰)، «تصویر ذهنی از خدا و افکار پارانویید در دانشجویان»، روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، دوره ۷، ش ۲۷، ص ۲۸۹-۲۹۵.
۱۷. فتحی آشتیانی، علی (۱۳۹۵)، «آزمون‌های روان‌شناختی، ج ۲، تهران: انتشارات بعثت».
۱۸. هومن، حیدر (۱۳۹۵)، «مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت)».

19. Abood Mohammad, H & Idri Nadia (2020), The Relationship between Religious Commitment and Ego Strength among a Sample of Hashemite University Students, Educational and Psychological Studies, 614-398.

20. Ainsworth Mary D, Salter, Blehar Mary, C, Waters Everett, Wall Sally, N. (2015), Patterns of Attachment a Psychological Study of the Strange Situation, New York: Psychology Press.

21. Aliche Joseph Chinenye ,Ifeagwazi Chuka Mike ,Chika Chukwuorji JohnBosco & John E .Eze (2020), (Roles of Religious Commitment ,Emotion Regulation and Social Support in Preoperative Anxiety ,Journal of Religion and Health ,905–919.
22. BOWLBY, J. (1969), Attachment and Loss Volume I Attachment, Basic Books: New York.
23. Bowlby, J. (1973), Attachment and Loss Volume II Separation Anxiety and Anger, New York: The Tavistock Institute of Human Relations.
24. Cassidy Jude & Shaver Phillip R. (2016), Handbook of Attachment Theory, Research and Clinical Applications, New York: The Guilford Press.
25. Ceyhan Ebubekir, Boysan Murat & Kadak Muhammed Tayyip (2019), Associations between Online Addiction, Attachment Style, Emotion Regulation, Depression and Anxiety in General Population: Testing the Proposed Diagnostic Criteria for Internet Addiction. Sleep and Hypnosi: A Journal of Clinical Neuroscience and Psychopathology, 123–139.
26. Diamantopoulos, A. & Siguaw, JA. (2013), Introducing LISREL: A guide for the uninitiated: Sage.
27. Garnefski Nadia & Kraaij Vivian (2018), Specificity of relations between adolescents' cognitive emotion regulation strategies and symptoms of depression and anxiety, Cognigion and Emotion, Vol, 32, NO. 7, 1401–1408.
28. Garnefski, Kraaij, V. & Spinhoven, P. (2001), Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problem, Personality and Individual Differences 30, 1311–1327.
29. Garnefski, N., Teerds, J, Kraaij, V., Legerstee, J. & van Den Kommer, T. (2004), Cognitive emotion regulation strategies and depressive symptoms: Differences between males and females, Personality and individual differences, 36(2): 267–76.
30. Gross, JJ. (2007), HANDBOOK OF EMOTION REGULATION, NewYork, London: The Guilford Press.
31. HenschelaSébastien, Jean–LouisNandrino & KarynDoba (2020), Emotion regulation and empathic abilities in young adults: The role of attachment styles, Personality and Individual Differences, 50–62.

32. Hsieh Manying & Stright Anne Dopkins (2012), Adolescents' Emotion Regulation Strategies, Self–Concept and Internalizing Problems, *The Journal of Early Adolescence*, 876–901.
33. Kahwagi, RM., Zeidan, RK., Haddad, C., Hallit, R., Sacre, H., Kheir, N., Salameh, P. & Obeid, S. (2020), Emotion regulation among Lebanese adults: Validation of the Emotion Regulation Questionnaire and association with attachment styles, perspective in psychiatric care.
34. Kerstine Kaya Nielsen Sara, Lønfeldt Nicole, Wolitzky–Taylor Kate, B., Hageman Ida, Vangkilde Signe & Sarah Ingrid Franksdatter Daniel (2017), Adult attachment style and anxiety – The mediating role of emotion regulation, *Journal of Affective Disorders*, Volume 218, 253–259.
35. Kline, RB. (2011), *Principles and practice of structural equation modeling*, New York: Guilford.
36. Kring Ann, M. & Sloan Denise, M. (2009), *Emotion Regulation and Psychopathology*, NEW YORK: The Guilford press.
37. Laurin Kristin, Kay Aaron, C. & Fitzsimons Gra'inne, M. (2011), Divergent Effects of Activating Thoughts of God on Self–Regulation, *Personality and Social Psychology*, 4–21.
38. Loehlin, J. C. (2004), *Latent variable models: An introduction to factor, path and structural equation analysis*: Psychology Press.
39. Markstrom Carol A. & Marshal Sheila, K. (2007), The psychosocial inventory of ego strengths: Examination of theory and psychometric properties, *Journal of Adolescence*, 30, 63–79.
40. Markstrom Carol, A., Sabino Vicky, Turner Bonnie & Herman Rachel (1997), The Psychosocial Inventory of Ego Strengths: Development and Validation of a New Eriksonian Measure, *Journal of Youth and Adolescence*, 705–732.
41. McCullough, Michael, E. & Willoughby, Brian, L. B. (2009), Religion, Self–Regulation and Self–Control: Associations, Explanations, *Psychological Bulletin*, 69–93.
42. Megreyaa Ahmed M., Al–AtiyahaAhmed Asma A. A., MoustafabElsayed, E.A. & Hassanein (2020), Cognitive emotion regulation strategies, anxiety and depression in mothers of children with or without neurodevelopmental disorders, *Research in Autism Spectrum Disorders*.

43. Moriarty, Glendon L. & Hoffman, Louis (2013), *God Image Handbook for Spiritual Counseling and Psychotherapy: Research, Theory and Practice*, New York: The Haworth Pastoral Press.
44. Pargament, K. I. (1997), *Psychology of religion and coping: Theory, research, practice*, New York: Guilford Press.
45. VandenBos, G. R. (2015), *APA Dictionary of psychology*, Washington DC: American Psychological Association.
46. Vishkin Allon, Ben–Nun Bloom Pazit, Schwartz Shalom H., Solak Nevin & Tamir Maya (2019), *Religiosity and Emotion Regulation*, *Journal of Cross–Cultural Psychology*, 1050–1074.
47. Vishkin Allon, Bloom Pazit Ben–Nun & Tamir Maya (2019), *Always Look on the Bright Side of Life: Religiosity, Emotion Regulation and Well–Being in a Jewish and Christian Sample*, *Happiness Studies*, 427– 447.
48. Zarzycka, B. (2019), *Parental Attachment Styles and Religious and Spiritual Struggle: A Mediating Effect of God Image*, *Journal of Family Issues*, 575–593.